«کلوز آپ» کیارستمی در فهرست برترین فیلم‌های تاریخ سینما

گروه سینما و تلویزیون– فیلم «کلوزآپ» ساخته «عباس کیارستمی»، کارگردان فقید ایرانی، در جمع ۲۵ فیلم غیرانگلیسی زبان برتر تاریخ سینما از دید مجله «فار اوت» قرار گرفت. مجله فرهنگی فار اوت انگلیس با بررسی شاهکارهای سینمای جهان، فهرستی را از برترین و تاثیرگزارترین فیلم‌های غیرانگلیسی زبان تاریخ سینما گردآوری کرده است. در بین ۲۵ فیلم این فهرست نام کلوزآپ ساخته عباس کیارستمی سینماگر نام‌دار ایرانی نیز به چشم می‌خورد. در توضیح این مجله درباره کلوزآپ آمده است: عباس کیارستمی به عنوان بزرگ‌ترین فیلمساز موج نوی ایران در درام–مستند کلوزآپ مرز میان داستان و غیرداستان همچنین واقعیت و خیال را استادانه محو می‌کند. کیارستمی در این اثر فراداستانی نقش‌هایی را که هر کدام از ما در زندگی ایفا می‌کنیم با دقت یک جراح و ظرافت یک شاعر، بررسی می‌کند. کلوزآپ کیارستمی براساس رویدادهای واقعی ساخته شده و داستان تراژیک حسین سبزیان به عنوان یک فیلمساز بلندپرواز بیکار را روایت می‌کند. این فیلم روانکایی سینمایی زیبا و در عین حال پریشان کننده یک مرد معمولی است. فیلم کلوزآپ (۱۳۶۸) اولین ساخته کیارستمی در دهه سوم از ۵۰ سال فعالیت هنری وی بود. این فیلم روایت‌گر داستان واقعی زندگی شخصی به نام حسین سبزیان است که خود را کارگردانی شناخته‌شده معرفی می‌کند. کلوزآپ که در جشنواره‌های مختلفی چون برلین، شانگهای، بوسان، تیرانا، داکا، روتردام، سوتو دی چیوتو و سینمای مستقل بوئنوس آیرس روی پرده رفت و افتخاراتی چون جایزه ویژه منتقدان از جشنواره بین‌المللی فیلم مونترال (۱۹۹۰)، جایزه ویژه هیئت داوران هشتمین جشنواره بین المللی فیلم فجر و جایزه بهترین کارگردانی جشنواره بین المللی فیلم دونکرک (۱۹۹۱) را برای کیارستمی به همراه داشت، قدمی دیگر برای شناخته شدن بیشتر این فیلمساز برجسته در خارج از ایران برداشت. این فیلم همچنین در سال ۱۳۹۱ در فهرست ۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما از نگاه ماهنامه سینمایی سایت اند ساوند انگلیس نیز قرار گرفت. جذابیت پنهان بورژوازی اثر سورئال لوییس بونوئل فیلمساز اسپانیایی، درام فلسفی اسب تورین به کارگردانی بلا تار و همسرش اگنِش هرانیتسکی محصول کشور مجارستان، درام آتالانت به کارگردانی ژان ویگو، فیلم آلمانی ام به کارگردانی فریتس لانگ، دزد دوچرخه ساخته ویتوریو دسیکا فیلمساز ایتالیایی، وقت بازی به کارگردانی ژاک تاتی، آگیره، خشم پروردگار ساخته ورنر هرتسوک، درام پاتر پانچالی از ساتیاجیت رای، چهارصد ضربه فرانسوا تروفو، توهم بزرگ به کارگردانی ژان رنوآر، سه‌رنگ: آبی ساخته کریشتوف کیشلوفسکی، هیروشیما عشق من از آلن رنه، محکوم به مرگی گریخته است ساخته روبر برسون، فیلم ژاپنی سانشوی مباشر کاری از کنجی میزوگوچی، درام جنگی بیا و بنگر ساخته الم کلیموف، ماجرا به کارگردانی میکل آنجلو آنتونیونی، هشت‌ونیم از فدریکو فلینی، مهر هفتم اینگمار برگمن، در حال و هوای عشق از وونگ کار وای، از نفس افتاده نخستین فیلم ژان لوک گدار، درام پی یی به کارگردانی ادوارد یانگ، هفت سامورائی به کارگردانی آکیرا کوروساوا، داستان توکیو ساخته یاسوجیرو ازو و فیلم پسارستاخیزی استاکر از آندری تارکوفسکی از دیگر شاهکارهای سینمایی هستند که در کنار کلوزآپ در فهرست برترین فیلم‌های غیرانگلیسی زبان سینما قرار گرفتند.

مستندی درباره کارتن‌خواب‌ها در مرحله تدوین

گروه سینما و تلویزیون– «این مستند کمی دردآور است و زندگی یک سری کارتن خواب را روایت می‌کند. خیلی از این کارتن‌خواب‌ها بعد از اینکه در عشق شکست خوردند زندگی‌شان دستخوش یک سری مشکلات می‌شود ولی سعی کردم این اتفاقات را به صورت دردهای جهانی نشان دهم.» مهدی شادی‌زاده عکاس و کارگردان درباره مستند جدیدش با نام "کاکتوس‌ها دیگر گل نمی‌دهند" گفت: حدود یک سال پیش ساخت مستند جدیدم را شروع کردم که در ابتدا عنوان این مستند «درختان سوخته» بود ولی بعد تصمیم گرفتم اسم این مستند را تغییر دهم و عنوان «کاکتوس‌ها دیگر گل نمی‌دهند» را انتخاب کردم. من قبل از شروع کار یک سری راش تهیه کرده بودم که در یک روز برفی از تعدادی کارتن خواب گرفته شده بود. این عکاس افزود: بعد از مدتی با سیمین بایرامی آشنا شدم و شعرهای ایشان را خواندم و تصمیم گرفتیم در این طرح با هم همکاری کنیم زمانیکه شعرهای سیمین بایرامی را خواندم طرحی به ذهنم رسید که سیمین بایرامی فیلمنامه این مستند را براساس این طرح نوشته است. وی با اشاره به اینکه پروانه ساخت این مستند را به سختی گرفته است، تاکید کرد: در این مستند از اشعار شاعران معاصر استفاده کردیم و قصد داشتیم این مستند بهانه‌ای باشد تا بیشتر به اشعار شاعران معاصر مانند فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، شاملو و... که درباره عشق صحبت کردن‌اند توجه شود. یکی از مهم‌ترین اهداف این بود که چطوری می توانیم اشعار را به مستند تبدیل کنیم زیرا دوست نداشتم مستند حالت شعاری داشته باشد. این کارگردان خاطرنشان کرد: این مستند کمی دردآور است و زندگی یک سری کارتن خواب را روایت می‌کند. خیلی از این کارتن‌خواب‌ها بعد از اینکه در عشق شکست خوردند زندگی‌شان دستخوش یک سری مشکلات می‌شود ولی سعی کردم این اتفاقات را به صورت دردهای جهانی نشان دهم. وی در پایان گفت: مستند «کاکتوس‌ها دیگر گل نمی‌دهند» در مراحل نهایی تدوین قرار دارد که تدوین آن به عهده حنانه میرزایی بوده است و فیلمنامه توسط سیمین بایرامی نوشته شده است.

مستند زندگی دیوید بکام ساخته می‌شود

گروه سینما و تلویزیون– «دیوید بکام» ستاره سابق تیم‌های منچستر یونایتد و رئال مادرید برای ساخت مستندی درباره زندگی خود با شبکه‌های نتفلیکس و آمازون پرایم وارد مذاکره شد. پخش مینی سریال ۱۰ قسمتی آخرین رقص از نتفلیکس که جریان حضور حرفه‌ای مایکل جردن در دنیای بسکتبال را دنبال می‌کند، دیوید بکام ستاره سابق فوتبال انگلیس را به ساخت مستندی درباره زندگی خود ترغیب کرد. این مستند ماجراهای زندگی حرفه‌ای و شخصی بکام پس از بازنشستگی از مستطیل سبز و به ویژه داستان راه‌اندازی باشگاه اینتر میامی را به تصویر می‌کشد و ترکیبی از محتوای جدید و فیلم‌های آرشیوی خواهد بود. بکام این مستند را در کمپانی فیلمسازی استودیو ۹۹ که سال قبل تاسیس کرد، می‌سازد و همین حالا نیز مذاکراتی را در این باره با شبکه‌هایی چون نتفلیکس و آمازون پرایم آغاز کرده است. دیوید بکام ۴۵ ساله فوتبالیست بازنشسته محبوب انگلیسی و مدیر عامل تیم فوتبال اینتر میامی است که سال ۲۰۱۳ پس از بازی برای باشگاه‌هایی چون منچستریونایتد، رئال مادرید، گلکسی و میلان در تیم فرانسوی پاری سن ژرمن از مستطیل سبز خداحافظی کرد.

خوش‌اقبالی‌های «پسرکشی»!

■ محمدهادی کریمی نویسنده و کارگردان «پسرکشی» ضمن طرح برخی ناگفته‌ها درباره حضور این فیلم در جشنواره فجر و عرضه اینترنتی آن، تأکید کرد این فیلم را اثری خوش اقبال در سینمای ایران می‌داند.

گروه سینما و تلویزیون– رابطه محمدهادی کریمی به‌عنوان یک پزشک با «سینما»، فراتر از رابطه یک فیلم‌نامه‌نویس و یا کارگردان صرف است. سابقه حضور جدی او در عرصه مطبوعات سینمایی و نیز چند نوبت تجربه عضویت در هیئت‌ها و شوراهای مختلف سینمایی این موقعیت را به او داده تا نگاهی چند وجهی نسبت به آنچه در سینمای ایران در جریان بوده است، داشته باشد.

فیلم‌سینمایی «پسرکشی» ششمین فیلم محمدهادی کریمی در مقام فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان است. این کارگردان پیش از این فیلم‌هایی چون «کمدی انسانی»، «بشارت به یک شهروند هزاره سوم»، «برف روی شیروانی داغ»، «امشب شب مهتابه» و «غیر منتظره» را هم کارگردانی کرده و نگارش فیلم‌نامه‌هایی با سوژه‌های ملتهب مانند «اتانازی»، «مارال»، «رستگاری در هشت و بیست دقیقه» و «شمعی در باد» را برای فیلمسازان دیگر در کارنامه خود دارد.

فرآیند حضور «پسرکشی» در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر با حواشی بسیاری همراه بود، فیلمی که در ابتدا به عنوان یکی از پنج فیلم رزرو از سوی هیأت انتخاب معرفی شد، در طول برگزاری جشنواره فیلم فجر به دلیل تأخیر در آماده شدن «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی به بخش اصلی راه پیدا کرد، بعد از مدتی که «خورشید» خود را به این جشنواره رساند، شرایط برای دیده شدنش محدودتر شد و سرانجام هم با این گمانه‌زنی که اساساً فیلم از سوی هیأت داوران داوری نشده است، پرونده حضورش در این رویداد بسته شد! مشکلات «پسرکشی» اما تنها به جشنواره فیلم فجر منتهی نشد و با وجود آنکه فیلم فرصت اکران در نوروز ۹۹ را به دست آورد، با رقم خوردن بحران کرونا، این فیلم نیز از مواجهه با مخاطبان در سالن تاریک سینما محروم شد تا سرانجام به اکران آنلاین همراه با سایه تهدید انتشار نسخه قاچاق تن داد!

با تمام این شرایط اما محمدهادی کریمی معتقد است فیلمی از جنس «پسرکشی» همین که ساخته می‌شود، یعنی اثری خوش اقبال بوده است. اکران آنلاین «پسرکشی» فرصتی شد تا با محمدهادی کریمی درباره حواشی این فیلم و مهم‌تر از آن حال و روز این سال‌های سینمای ایران به گفتگو بنشینیم.

مشروح بخشی از گفتگو با محمد هادی کریمی را در ادامه می‌خوانید؛

آقای کریمی بد نیست از اینجا شروع کنیم که به نظر می‌رسد فیلم «پسرکشی» علی‌رغم همه امتیازات بالایی که در ساخت و مضمون دارد فیلم خوش شانسی نبوده است! هم آن برخوردهای ناشایست در جشنواره فجر از سوی مسئولین برگزاری و نادیده گرفتن در داوری و هم منتفی شدن اکران نوروز و ماجرای اکران آنلاین و دیده نشدن آن بر پرده سینما و قاچاق آن در کانال‌های مختلف! ابتدا روایتی از شما درباره «پسرکشی» داشته باشیم که چرا این فیلم مهم، در عرضه دچار بدشانسی‌های بزرگ شد و مشخص‌تر دوست دارم بدانم بعد از گذشت ماه‌ها از جشنواره فجر چه حسی نسبت به رفتارهای توهین‌آمیز جشنواره نسبت به این فیلم دارید؟

من فکر می‌کنم «پسرکشی» اتفاقاً فیلم خوش اقبالی است، چرا که ساخته شده است و در کشوی میز یا پستویی در ذهن بایگانی نشده است، آن هم در شرایطی که برخلاف دهه‌های پیش در حال حاضر سینمای ایران جریان اصلی اش این فیلم‌های به قول شما مهم و دارای امتیاز، نیست، کلاً جریان اصلی اگر هم داشته باشد به ۲ دسته تقسیم می‌شود، سری اول به اصطلاح کمدی‌هایی هستند که در همه چیز از روی هم کپی‌برداری می‌کنند. دسته دیگر فیلم‌هایی هستند که آن‌ها را اصطلاحاً فیلم‌های ارگانی می‌خوانند، فیلم‌هایی که از اول ساخته شده‌اند در جهت یک سری اهدافی که اساساً خارج از دایره سینما است. البته ممکن است در بین این فیلم‌ها آثار خوب سینمایی هم وجود داشته باشد، اما هدف‌گذاری اولیه آن‌ها، سینما به مفهوم سینما نبوده است. در این شرایط شاهد یک ریزش در مخاطبان هستیم که سابق بر این فیلم‌هایی مانند «پسرکشی» جلوی این ریزش را می‌گرفتند، چرا که این سینما، سینمایی است که برای مخاطب ایرانی بدون هیچ هنجارشکنی و آتراکسیونی قصه می‌گوید و کارگردانی، بازی، گریم، نور و به زبان ساده جریان اصلی سینما در آن وجود دارد. به همین دلیل به نظرم خوش‌اقبالی «پسرکشی» این بود که با وجود مشکلات بسیار ساخته شد. بسیاری از کسانی که اکنون در موزه سینما مدام تندیسشان رونمایی می‌شود و یا برایشان بزرگداشت گرفته می‌شود سیمرغ بلورینی نداشته‌اند و نامزد دریافت جایزه هم نشده‌اند، اساتیدی که روی توانایی آن‌ها هیچ تردیدی نیست در نتیجه از دید من واقعاً جشنواره ملاک نیست و اگر در دوران جشنواره خیلی ساکت بودم به این دلیل بود که می‌دانستم هر فیلمی راه خودش را خودش باز می‌کند و جشنواره‌ها هیچ کمکی در این راه نمی‌کنند یا کمک اندکی دارند.

بسیاری از فیلم‌ها که در یاد شما مانده و بخشی از نوستالژی شما شده است، فیلم‌هایی است که مثل «پسر کشی» مورد بی مهری و برخورد ناشایست از سوی فستیوال‌ها قرار گرفته‌اند، ضمن آنکه من به این برخوردها زیادی عادت کرده‌ام، پیش از این برای فیلمنامه‌های «مارال»، «رستگاری»، «شمعی در باد» و «انعکاس» تا جایی که یادم مانده اتفاقات بد خارج از روالی در دقایق آخر داوری افتاد یا تعداد نامزدها و جوایز فیلم «برف روی شیروانی داغ» که در زمان خودش بحث برانگیز شد.

درباره فرآیند عرضه فیلم و تماشای آن از سوی مخاطب هم همین نظر را دارید؟

برای «پسرکشی» ابتدا اکران نوروز ۹۹ در نظر گرفته شده بود و من از این مسئله خوشحال بودم، چرا که می‌دانستم فیلمی است که بعد از مدت‌ها خانواده‌ها در کنار هم می‌توانند به سینما بروند و آن را ببینند. مدت‌ها است که گویا سینما برای مخاطب زیر ۳۰ سال است و مثلاً یک مخاطب ۵۰ساله وقتی فیلم‌های سینمایی را می‌بیند خودش را در فیلم نمی‌بیند یا اگر هم ببیند بسیار منفعل و در حاشیه است. در این شرایط اینکه فیلمی ببینیم که احساس کنیم بعد از دیدن آن می‌توانیم به مادربزرگمان بگوییم که یک فیلم دیده‌ام که می‌توانی در آن خودت را ببینی بسیار مهم است.

به همین دلیل من بسیار امیدوار بودم به اکران عید نوروز اما شرایط به گونه‌ای شد که این اتفاق رخ نداد. البته من این مسئله را باز مثبت می‌بینم چرا که علیرغم ضرر مادی که در بخش خصوصی به واسطه منتفی شدن اکران نوروزی داشتیم یک امتیاز و دست آورد اکران آنلاین داشت و آن اینکه همزمان در شهرستان‌ها و جاهایی که سینما نداشتند هم فیلم برای هر مخاطبی در هر رده سنی می‌تواند به نمایش در بیاید، آن سالمندی که نمی‌تواند سینما برود یا کسی که اساساً سال‌ها است به هر دلیل و مشکلی نمی‌تواند در سالن فیلم را ببیند، البته بزرگترین آفت اکران آنلاین قاچاق و پخش ماهواره‌ای است که به نظرم یک عزم بالاتری را از سوی نهادهای بالادستی می‌طلبد و موضوع با شکایت حقوقی مالکین فیلم یا مالکین درگاه‌ها و بر خط‌ها درست نخواهند شد.

یعنی مخالفتی با اکران آنلاین «پسرکشی» نداشتید؟

من به تصمیم تهیه‌کننده فیلم یعنی صادق یاری احترام گذاشتم و در این مورد نظر او را بر هر نظر دیگری مقدم دانستم، بالاخره ما از لحاظ مالی بسیار متضرر شدیم، چرا که به محض عرضه فیلم در فضای مجازی، بلافاصله در ماهواره و کانال‌های مختلف نسخه آن قابل دسترس بود، اما از جایی باید عمل‌گرا باشیم و تجربه کنیم. یکی از خوش‌اقبالی‌های «پسرکشی» این است که الان با استقبال در اکران آنلاین مواجه شده است، یعنی از خانواده‌ها بازتاب خوبی داشته‌ایم. تأکید می‌کنم همه فیلم‌هایی که در اکران ۱۳۹۹ بوده و یا هستند، به خاطر بحران کرونا و باز بودن نصفه نیمه سینما همگی با شکست فاحش در اکران مواجه می‌شوند. برخی از این فیلم‌ها سرمایه‌گذاری دولتی داشته‌اند و یا سرمایه‌گذارشان شبه‌دولتی بوده است. اما «پسرکشی» در بخش خصوصی تهیه شده و از پول بخش خصوصی استفاده کرده است اما خوشبختانه استقبال از فیلم رضایت‌بخش است و همین جا باید از دست‌اندرکاران هر دو درگاه اکران، فیلیمو و نماوا که مسئولانه عمل می‌کنند تشکر کنم، حل معضلی مثل قاچاق هم، پیش‌تر عرض کردم عزمی فراتر می‌طلبد که در حال حاضر نیست چرا که قرار است سینما کلاً مورد بی مهری قرار بگیرد.

درباره جشنواره فجر به نظر می‌رسد هنوز با محافظه‌کاری صحبت می‌کنید؛ سکوت شما تا آنجا که می‌گویید جشنواره اهمیتی نداشت قابل‌قبول است اما به نظر می‌آید که یک اتفاقی در مدل برخورد با این فیلم رخ داده که نباید تبدیل به یک بدعت برای رسمی‌ترین رویداد سینمایی کشور شود. این فیلم، فیلم گمنامی نبود و توسط یک سینماگر معتبر ساخته شده و وقتی رونمایی شد با یک فیلم مهم مواجه شدیم اما مدل پذیرش و مهم‌تر از آن بی‌توجهی در داوری‌ها نسبت به آن خیلی عجیب بود؛ واقعاً چرا نسبت به این اتفاق نه در جشنواره و نه بعد از آن واکنشی نشان ندادید؟

(می‌خندد) اگر بخواهم اعتراض کنم، آن قدر مسائل مختلف برای اعتراض وجود دارد که دیگر به این مسئله نمی‌رسد، این در حالی است که همه می‌دانند من هر فیلمی که ساخته‌ام به جز فیلم اولم که تهیه کننده‌اش حاضر نشد به جشنواره بدهد در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر حضور داشته است.

ماجرای «پسرکشی» و حضورش در فجر هم حتماً دلائلی داشته است روشن و یا ناواضح که به طرف توضیح آن هرگز نرفته‌ام که بنا به آن دلائل نخواسته‌اند و یا دوست نداشته‌اند و یا مرد بوده‌اند که این فیلم باشد یا نباشد! یا من باشم یا نباشم... این فیلم در حال حاضر اکران شده و مخاطب باهوش می‌تواند متوجه شود که چرا این اتفاق برای چنین فیلمی رخ داده و چه چیزی در این فیلم می‌تواند باشد که باعث نگرانی یک عده شود؟

رویه من اما اعتراض به سبک مرسوم نیست؛ معتقدم اگر شما در خیابان ایستاده‌اید و یک نفر با سرعت از کنار شما رد می‌شود و آب گل‌آلود را به لباس شما می‌پاشد، شما به‌جای دعوا و درگیری باید سریع بروید و پیرهن خود را بشویید چرا که هرچقدر این لک روی پیرهن بماند پاک کردن آن سخت‌تر می‌شود. بعداً اگر توان آن را دارید باید چاله‌ای که آب در آن جمع شده است را پر کنید تا نفر بعدی اینگونه نشود.

فکر کنید شما در یک کوچه که راه برای شما است در حال رانندگی هستید، طرف مقابل ورود ممنوع می‌آید و به شما می‌گوید، اینجا دیگر شما نباید جواب دهید که چرا این ماشین به ماشینتان کوبیده است، بلکه آن‌ها باید بگویند چرا این اتفاق رخ داد. در ماجرای حضور «پسرکشی» در جشنواره فجر، آن‌ها چه کسانی هستند؟ کسانی که بخشی از خود ما هستند در سینمای ایران هم آن‌قدر در روند ساخت یک فیلم و عرضه آن مشکلات مشابه وجود دارد، که واقعاً نمی‌توان روی یکی تمرکز کرد! فکر کنید شما در یک کوچه که راه برای شما است در حال رانندگی هستید، طرف مقابل ورود ممنوع می‌آید و به شما می‌گوید، اینجا دیگر شما نباید جواب دهید که چرا این ماشین به ماشینتان کوبیده است، بلکه آن‌ها باید بگویند چرا این اتفاق رخ داد. در ماجرای حضور «پسرکشی» در جشنواره فجر، آن‌ها چه کسانی هستند؟ کسانی که بخشی از خود ما هستند.

به تعبیری در چنین شرایطی خیلی «آن ها» به آن مفهوم وجود ندارد. آن‌ها بخشی از ما هستند که خیلی راحت می‌توانند چشم‌های خود را روی بازی‌ها، قصه، موسیقی و ... همکارانشان در یک فیلم ببندند، اما بعد بشنویم که در محافل و خلوت‌ها بگویند که سال‌ها بود فیلمی این چنین ندیده بودیم که نان سینما را فقط بخواهد بخورد، علیه تبعیض جنسی باشد اما خودش جنسیت زده نباشد، از زن‌ها دفاع کند اما فمینیستی نباشد، علیه خشونت باشد اما مروج خشونت نباشد، همه حرف‌ها را بگوید اما با این حرف‌ها نخواهد کاسبی کند و سینما باشد.

خب من با سختی بسیار قصه‌ای را به تصویر کشیده‌ام که حرف روز را می‌زند و می‌گوید این‌قدر تنی و ناتنی نکنیم. دشمنی‌ها را باید یک جا کات کرد. باید نشان دهیم که خون به خون شستن محال آمد محال، این‌ها را مخاطبین فیلم خوب در می‌یابند، و مدام از من می‌پرسند ما امتیازهای فیلم را دریافته‌ایم پس چرا در داوری؟ که بلافاصله آبروداری می‌کنم و مثل همیشه لبخندی هرچند تصنعی می‌زنم و می‌گویم خب داوری سلیقه‌ای است اما جواب می‌شنوم نه دیگر موضوع سلیقه نیست و چیز دیگری است، و این قضاوتی که مردم به درست درباره بعضی از همکاران من دارند بیشتر آزارم می‌دهد تا رفتار آن‌ها که ریشه‌اش را می‌دانم چیست.

حالا تصور کنید در جشنواره می‌خواستم به این موارد اعتراض کنم و می‌گفتم که فیلم من باید در جشنواره فلان جایزه را بگیرد و چه و چه... آیا واقعاً حق یک هنرمند همین سیمرغ‌ها است؟ نه. حق من این است که قانون کپی‌رایت را تصویب کنید، حق من این است که حقوق مؤلف تصویب شود. حق ما یک احترام است.

حق ما این است که سالن‌دار به تفکر و فردیت ما فیلمسازان و سلیقه مخاطبان احترام بگذارد، همیشه می‌گویند دو سین «سرمایه» و «سانسور» سینما را نابود می‌کند. شخصاً معتقدم این روزها سانسور هم با سرمایه اتفاق می‌افتد، چراکه قبل از اینکه اثر به ارشاد برسد، سانسور اصلی از سوی «سرمایه» اعمال شده است.

فرآیند حضور «پسرکشی» در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر با حواشی بسیاری همراه بود، فیلمی که در ابتدا به عنوان یکی از پنج فیلم رزرو از سوی هیأت انتخاب معرفی شد، در طول برگزاری جشنواره فیلم فجر به دلیل تأخیر در آماده شدن «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی به بخش اصلی راه پیدا کرد، بعد از مدتی که «خورشید» خود را به این جشنواره رساند، شرایط برای دیده شدنش محدودتر شد و سرانجام هم با این گمانه‌زنی که اساساً فیلم از سوی هیأت داوران داوری نشده است، پرونده حضورش در این رویداد بسته شد! مشکلات «پسرکشی» اما تنها به جشنواره فیلم فجر منتهی نشد و با وجود آنکه فیلم فرصت اکران در نوروز ۹۹ را به دست آورد، با رقم خوردن بحران کرونا، این فیلم نیز از مواجهه با مخاطبان در سالن تاریک سینما محروم شد تا سرانجام به اکران آنلاین همراه با سایه تهدید انتشار نسخه قاچاق تن داد!

یکی از نکاتی که در نیم ساعت اول فیلم «پسرکشی» ذهن مخاطب را درگیر می‌کند مسئله باورهای غلط است که در شکل‌های مختلف می‌تواند در زندگی کاراکترها تأثیرگذار باشد. کلیدواژه‌هایی که در کارهای قبلی شما هم چندان غریب نیست. این مسئله از کجای جهان ذهنی شما می‌آید و نمایشی شدن آن قرار است چه مسئله‌ای را برای مخاطب امروز حل کند؟

عمیقاً معتقدم یک کار هنری می‌تواند بخشی از ذهن مخاطب شود. ممکن است یک نفر «پسرکشی» را ببیند و ۱۰ یا ۱۱ سال بعد، تحت تاثیر چیزی که دیده آن را در قالب یک اثر هنری دیگر بازنشر دهد. همانطور که ما الان چیزی می‌سازیم و یا می‌نویسیم که پیشینه‌اش چیزهایی است که در گذشته خوانده‌ایم و دیده‌ایم و در ذهن ما رسوب کرده است، مثل انعکاسی که در آینه‌های تو در تو اتفاق می‌افتد. همچنین مثل بسیاری دیگر، من هم معتقدم تا زمانی که بشر روی کره زمین هست، نیازمند آن است که باورهای غلط خود را تصحیح کند و برای اینکه باور غلط یک جمع تصحیح شود، یک نفر باید از میان همان جمع بلند شود و حرفی بزند. اگر یک هندی بخواهد درباره یک باور غلط در میان اعراب چیزی بگوید این امر پذیرفتنی نیست. چراکه آن فرد این زیست را نداشته است و نمی‌تواند در این زمینه حرفی بزند.

تا زمانی که بشر روی کره زمین هست، نیازمند آن است که باورهای غلط خود را تصحیح کند و برای اینکه باور غلط یک جمع تصحیح شود، یک نفر باید از میان همان جمع بلند شود و حرفی بزند. اگر یک هندی بخواهد درباره یک باور غلط در میان اعراب چیزی بگوید این امر پذیرفتنی نیست. چراکه آن فرد این زیست را نداشته است و نمی‌تواند در این زمینه حرفی بزند در این مورد خاص «پسرکشی» هم در تاریخ پسرکشی‌های پنهان فراوان بوده است. هر چند موارد دخترکشی به علت پنهان نبودن زیاد دیده شده است. حالا علت پسرکشی چه بوده است؟ دخترستیزی!

یعنی دخترستیزی مردان باعث شده که خودشان کشته شوند. جالب است این همه شاه و فرمانروا در تاریخ داشته‌ایم که عمر بسیار کمتری نسبت به مردان هم عصر خود داشته‌اند، دلیل این امر این است که در دوران نوزادی اتفاق‌هایی برای آن‌ها رخ می‌داد که در نتیجه آن اگر نمی‌مردند و زنده می‌ماندند دچار انواع و اقسام بیماری‌ها و یا اکثراً دچار حالت‌های روان‌پریشی می‌شدند.

این همان زاویه نگاهی است که همه را قربانی یک باور غلط تصویر می‌کند، حتی کسی که خود به آن باور عمل می‌کند... و شخصیت‌پردازی‌ها دقیقاً در این راستا طراحی شده که حس مهر و نفرت کلیشه‌ای نسبت به آن‌ها نداشته باشیم و همه آن‌ها را قربانی یک باور غلط ببینیم.

وقتی که می‌خواهم شخصیت‌پردازی کنم، نمی‌توانم آدم‌ها را بد یا خوب ببینم. آدم بدهای من، همان آدم خوب‌های من هستند که باور غلط دارند و آدم خوب‌ها آدم‌هایی هستند که زمانی آن باور غلط را داشته‌اند و آن را کنار گذاشته‌اند. یا آن باور غلط را دارند و در تردید هستند که آن را کنار بگذارند یا نه.

به نظرم شخصیت‌پردازی چیزی جز هایلایت کردن باورهای یک آدم نیست. برخلاف آنچه که مرسوم شده و می‌بینیم که می‌گویند مثلاً این فرد بد است. چرا این فرد بد است؟ این شخصیت بد نیست بلکه چند باور غلط دارد و یک خودشیفتگی هم روی آن آمده و از آن فرد یک چیز عجیب‌وغریبی ساخته است، اگر باورهای همین آدم کنار برود، می‌تواند در یک دگردیسی و در یک نقطه عزیمت قرار بگیرد و یک صیرورت را از سر بگذراند و یک آدم خوب در جهان قصه شود. تمام داستان‌های جهان که هوش را از سر آدم می‌پراند روایت نقطه عزیمت همین آدم‌های بد و پوست‌اندازی آن‌ها بوده است. اینکه چطور یک دزد تبدیل می‌شود به یک انسان خیر و شهرداری که از آزادی‌خواهان شهر خود حمایت می‌کند.

من این دگردیسی و عزیمت را دوست دارم. اینکه بالاخره این شخصیت فیلم ما که روز اول می‌گوید چرا اینجا گل انداخته‌اند و جوان‌ها بی‌خود عاشق می‌شوند و چه و چه، در نهایت به این نقطه می‌رسد که همین عشق نجات بخش است. یعنی از ضدیت با عشق، به عشق می‌رسد...

پخش بین المللی «بوتاکس» آغاز شد

گروه سینما و تلویزیون– پخش بین‌المللی فیلم سینمایی «بوتاکس» به کارگردانی «کاوه مظاهری» و محصول مشترک ایران و کانادا آغاز شد.

بوتاکس اولین فیلم بلند کاوه مظاهری است که پخش بین‌المللی آن به تازگی آغاز شده است. بخش‌هایی از این فیلم که ساخت آن در سال گذشته به اتمام رسید در آلمان فیلمبرداری شده است. سوسن پرور، مهدخت مولایی، سروش سعیدی، محسن کیانی و مرتضی خانجانی از بازیگران فیلم بوتاکس هستند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: اکرم و آذر به همه می‌گویند که برادرشان قاچاقی به آلمان رفته و فعلاً ازش خبری ندارند. به‌مرور این «دروغ» در ذهن اکرم به یک واقعیت تبدیل می‌شود، تا حدی که شبانه‌روز را در انتظار برگشتن برادرش از آلمان، سپری می‌کند. فیلم بوتاکس تولید مشترک ایران و کاناداست و با سرمایه‌گذاری محسن کیانی، ساسان سعیدی، کاوه مظاهری، سروش سعیدی و گروه همراهان اندیشه ققنوس ساخته شده است.

۲ فیلم کوتاه آخر کاوه مظاهری، روتوش و شهربازی پیش از این به عنوان نماینده ایران در رقابت آکادمی اسکار شرکت داشته است. دیگر عوامل فیلم عبارتند از تهیه‌کنندگان: کاوه مظاهری و سروش سعیدی، نویسندگان فیلم‌نامه: کاوه مظاهری و سپیند ناجیان، مدیر فیلمبرداری: حامد حسینی سنگری، سایر بازیگران: مهدی پورخانعلی، مریم نجفی، الهه فرازمند، هانیه مفلح، سارا رستم، مهناز افتاده نیا، ملینا پورکاظمی، فتح الله غفاری، سجاد میرسعید و آرین واعظ آشتیانی (بازیگر کودک)، طراح صحنه و لباس: عادله چراغی، طراح چهره‌پردازی: امید گلزاده، تدوین: پویان شعله‌ور، موسیقی: میلاد موحدی، صدابردار: هادی معنوی پور، طراحی و تدوین صدا: حسین قورچیان.

«اِکسُدوس» به جشنواره حقوق بشر تایوان راه پیدا کرد

گروه سینما و تلویزیون– فیلم مستند بلند «اِکسُدوس» ساخته «بهمن کیارستمی»، به جشنواره حقوق بشر تایوان راه پیدا کرد.

مستند اِکسُدوس به کارگردانی و تهیه‌کنندگی بهمن کیارستمی در چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی حقوق بشر تایوان سپتامبر ۲۰۲۰ (شهریور و مهر ۱۳۹۹) به نمایش گذاشته می‌شود. در این رویداد موضوعی، فیلم‌هایی از کشورهای ایران، هنگ‌کنگ، اتریش، فرانسه، تایوان، دانمارک، گواتمالا، آلمان و کامبوج حضور دارند.

در این دوره جشنواره تایوان، جلسه پرسش و پاسخ با فیلمسازان به خاطر شیوع بیماری کرونا به صورت غیرحضوری و با مصاحبه‌های ویدیویی انجام خواهد گرفت. موضوع اِکسُدوس درباره مرکز بازگشت مهاجران افغان است که توسط اداره اتباع خارجی وزارت کشور گردانده می‌شود. این مرکز مسئولیت ثبت‌نام و اعزام مهاجران افغان را که به صورت غیرقانونی وارد ایران شده‌اند، بر عهده دارد ... .

این فیلم تاکنون برنده جایزه بزرگ بخش مسابقه بین‌الملل دوازدهمین جشنواره سینماحقیقت، جایزه تعالی بخش جریان‌های نو آسیا شانزدهمین جشنواره یاماگاتا ژاپن و «جایزه ویژه» هیات داوران سی‌اُمین جشنواره فیلم نیواورلئان آمریکا شده و در جشنواره معتبر «هات‌داکس» کانادا نیز به نمایش درآمده است. عوامل تولید اِکسُدوس عبارتند از: پژوهشگر، کارگردان، تدوینگر و تهیه‌کننده: بهمن کیارستمی، فیلمبردار: داود ملکی، صدابردار: علی علوی، صداگذار: امیرحسین قاسمی، مدیر تولید: کامبیز صفاری

پخش بین‌المللی مستند اِکسُدوس بر عهده مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹